

پیش بینی هایی که نقش بر بارشند

اول پاییز سازمان هواشناسی برای خراسان رضوی فصل پر بارشی را پیش بینی کرد، اما چند روز پیش مدیر روابط عمومی شرکت آب منطقه ای خراسان رضوی گفت حجم بارندگی از ابتدای مهرماه نسبت به مدت مشابه پارسال ۴۴ درصد کاهش داشته است. چی شد؟!

پس کو پیش بینی؟

عده ای مغرض سعی داشتند پیش بینی های هواشناسی را مخدوش کنند، در حالی که بارش برای بقیه کشور هم پیش بینی شده بود، ولی آنجا هم نیارید. خب شاید ابرها قهر کرده اند، یا باد برده باشدشان، یا یک عمردیررسیده باشند، یا اصلا سوراخ بوده اند و تا به ما برسند، خشک شده باشند. تازه مسئولان به صورت شبانه روز در همه عرصه ها مشغول پیش بینی هستند که از هر صد تا یکی اش هم درست در نمی آید. کسی معترض شده است؟ یادتان نیست وزیر صمت گفته بود فعلا خود رو نخريد، ارزان می شود؟ خب نخريدیم، ارزان شد؟ یار رئیس جمهور قبلی گفته بود خیالتان راحت دلاگران نمی شود، فردایش چنان گران شد که سیل های جورج واشنگتن روی دلارها ریخت.

نیمه پیش بینی / ابی بینی

اصلا اسمش رویش است؛ پیش بینی. اگر قرار بود حتما انجام شود که اسمش را می گذاشتند پس بینی! به جای ایراد گرفتن، سعی کنید نقاط سفید قضیه را ببینید، حتی اگر نقطه سفیدی نباشد. مثلا مسئولان پیش بینی کرده بودند سالی یک میلیون خانه و یک میلیون شغل مهیا خواهند کرد. الان کو؟ عوضش ۸۰ میلیون شهروند که سر کار رفتند! یا اوایل کرونا مسئولان پیش بینی می کردند چیزی شبیه آنفلوآنزا است و با گرم شدن هوای رود، اما خب دیدیم شبیه آنفلوآنزایی بود که با اسید و میخ و بمب اتمی قاطی شود. با گرم شدن هوا هم رفت، البته سه سال بعد.

یک مسئول

هیچ وقت نمی باز

به هر حال یک مسئول هرگز اشتباه نمی کند. مسئولان ماکه نوستر ادا موس نیستند. در سریال سیمپسون ها هم زندگی نمی کنند که هر چیزی را درست پیش بینی کنند. یک عده شبیه خودمان هستند که مثلا در یک لایحه فقط ۲۳ غلط املائی دارند. قطعاً خواهند گفت منظور از پیش بینی افزایش بارش ها، آخر پاییز بوده است؛ همان موقعی که جوجه ها را می شمارند. شاید یکهو سی ام آذر چنان بارشی داشته باشیم که همه این خشک سالی ها و جوجه ها را بشوید و ببرد.

شاید درست شود

در آخر توصیه می کنیم طوری رفتار کنید که احتمال بدهید پیش بینی های مسئولان درست از کار در بیاید. مثلا صبح با چتر و عینک آفتابی از خانه خارج شوید. یا اگر بیکار هستید، در حالی که در روزنامه دنبال کار می گردید، منتظر ایجاد شغل توسط مسئولان هم باشید. یا اگر خانه ندارید، همان طور که روی آجرها ماله می کشید، در سامانه مسکن هم ثبت نام کنید. یا همان طور که در سایت دیوار ماشین جست و جو می کنید، گوش به زنگ هم باشید که دولت سوئیچ را بیاورد دم در.



کارتون: محمد علی رحیمی

صفحه ۴
۱۱ آذر ۱۴۰۲
شماره ۹۰

چانه زدن های دوسر باخت

فرهنگ شهروندی

حسین ابراهیمی

هم وجود دارد؛ مثل فرهنگ چانه زدن. مدتی در مغازه دایی ام کار می کردم. در کفش فروشی شاگردی می کردم. مشتری می آمد در مغازه که مثلا من این کفش را می خواهم. پس از کلی بالا و پایین و پا کردن و راه رفتن و در آوردن و انداز نداشتن، آخر سر به یک کفش ظاهرا رضایت می داد.
★ آخرش چند؟
★ صد تومان (مثلا)
★ اووه. چه گرون. پنجاه بدم؟!

مبارخی اخلاق هایی داریم که در سطح بین المللی لنگه ندارد؛ مثل همین تعارف کردن های آن چنانی. جوری تعارف می کنیم که به جای احترام و رعایت ادب، بیشتر همدیگر را عذاب می دهیم. آقا شما بفرمایید، بنده پشت سر شما، خیر قریبان نمی شه. اصلا و ابدا، بنده چنین جسارتی نمی کنم و... این قدر ادامه می دهیم که آخر سر خود در شاک می شود و می گوید: در به این بزرگی، رد بشین برین دیگه! از همین دست اخلاق های خاص در بازارهای ما

★ نمی شه که. خب یه مدل ارزون تر انتخاب کنین.
★ بقیه که خوب نیست. این هم معمولیه ها. حالا دیگه گفتیم وقتتون رو گرفتیم، یه خریدی هم بکنم. حالا شما پنجاه بدین ببرم.
★ راه نداره.
★ چه یک کلام! چه خبره حالا؟ بیشتر پول همراهم نیست. گرایه ماشین می خوام بدم. (این دیالوگ تا ساعت ها ادامه دارد.)
در چنین حالتی فروشنده بی نوامی ماند که